

سیر تحول در مفهوم امنیت ملی

ایرج رادمهر

چکیده

مفهوم امنیت ملی از نظر بعضی از صاحب نظران مهمترین اولویت در سیاست خارجی و داخلی تمام دولت هاست و دستیابی به آن جزء یکی از اهداف هر دولت به شمار می رود. این مفهوم در دوره های گذشته دچار تحول اساسی شده و مکاتب متعددی سعی در تعریف و ارایه راه کارهای مناسب برای تحقق آن کرده اند.

در دنیای بعد از جنگ سرد مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفهوم امنیت در دوره های قبل تفاوت های اساسی پیدا کرده است. بدین معنی که امنیت چند جانبه، تجزیه ناپذیر و یکسان در حال شکل گیری است. به عبارت دیگر امنیت یکی مساوی با دیگری و بالعکس در تحصیل این امنیت مجموعه ای از افراد، گروه ها و سازمان های فراملی و فروملی و دولت ها نقش ایفا می کنند. دوره جدید پس از جنگ سرد هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی زمینه تحقیق امنیت دسته جمعی تجزیه ناپذیر و چند جانبه را آشکار کرده است.

واژه های کلیدی : امنیت، ملی، مفهوم

مقدمه

مفهوم امنیت از نظر بعضی از صاحب‌نظران مهمترین اولویت در سیاست خارجی و داخلی تمام دولت‌ها و دستیابی به آن جزء یکی از اهداف هر دولت به شمار می‌رود. این مفهوم در دوره‌های گذشته دچار تحول اساسی شده و مکاتب متعددی سعی در تعریف و ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق آن کرده‌اند. در این بخش سه دوره تاریخی همراه با نظریات آرمان‌گرایان، واقع‌گرایان و جهان‌گرایان ارائه می‌گردد و تهدیدات اساسی امنیت انسانی در زمان حاضر همچون مواد مخدر اشکال مختلف تروریسم، انفجار جمعیت و تغذیه و بهداشت ناکافی و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجایی که فلسفه اصلی تاسیس دولت ملت (کشور) دو مساله اساسی یعنی تامین امنیت شهروندان (مردم و سرزمین) و تحصیل منافع عمومی (رفاه و توسعه همه جانبه) می‌باشد. بنابراین پس از شکل‌گیری عناصر اصلی دولت یعنی قلمرو و مردم، حکومت و حاکمیت دولت متولد شده و بر اساس فلسفه اولی تاسیس آن، اولین نهادها یعنی سازمان‌های نظامی - انتظامی پدید آمده که در بعد داخلی و خارجی وارد عمل می‌شود.

از اهداف اصلی و اولیه همه دولت‌ها همین دو مساله است. تجلی، تکامل و تحقق این دو هدف اصلی در سیاست داخلی است که در صحنه بین‌المللی نیز تعقیب می‌شود. یعنی اصل تامین منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی، تجلی این دو نیاز اولیه داخلی دولت است به عبارت دیگر بدون وجود امنیت هیچ برنامه‌ای در

داخل یک کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه گذاری، طرح ریزی برای رشد و هرگونه برنامه دیگر نیاز به آرایش و زمینه مطمئن در سطوح مختلف جامعه دارد که همگی در گرو تامین امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف، منابع و ارزش های اصولی و پایدار هر جامعه است.

بر این مبنا تمام دولت ها اعم از چپ و راست و میانه این دو اصل (امنیت ملی و منافع ملی) را بدون استثناء از اهداف اولیه سیاست خارجی خود می دانند. با این قضاوت اساسی که امنیت ملی چه در داخل و چه در خارج کشور از اهداف حیاتی و غیرقابل تردید تمام دولت هاست. اما این که مفهوم این امنیت چیست و چه دیدگاه ها و تحولات مفهومی مختلفی داشته در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد.

تعریف امنیت ملی

در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارایه شده که قبل از اشاره به تحول مفهومی آن در زمان های گذشته لازم است. ابتدا به این تعاریف اشاره ای داشته باشیم تا دهه ۱۸۸۰ تعریف جامع و کاملی از امنیت ملی ارایه نشده بود و به تدریج این تعاریف کامل شد. چنانچه (هافمن درون) معتقد است که در قرن هفدهم میلادی شکل گیری دولت ملی و تمایل آن به بقا باعث مطرح شدن این مفهوم شد. این واژه فقط در قرن بیستم خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است.^۱

آنچه مسلم است این که امنیت ملی به دنبال تولد دولت ملت (کشور) مطرح شد که ریشه آن به تولد دولت مدرن در قرن ۱۷ میلادی برمی گشت که این مفهوم نوظهور تحت عنوان (بقای ملی) مطرح شد.

این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحد و مورد قبول بیشتر صاحب نظران نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می گردد. شاید علت این عدم اتفاق گستردگی و کلیت اکثر مسایل و ارزش های انسانی، اجتماعی است که همگی تحت تاثیر این مفهوم قرار دارند. بر همین اساس مثلاً (آرنولد ولفوز) می گوید "امنیت ملی نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد". آلستایر بوکان نیز معتقد است "امنیت واژه ای است که معنای بسیاری دارد" و نیز بری بوزان می گوید "امنیت ملی را نمی توان به طور کلی بلکه تنها در مواردی مشخص می توان آن را تعریف کرد"^۱. رابرت ماندل در این مورد می گوید "امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم است ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است. چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می گذارد."^۲

با این احوال از نظر صاحب نظران در این مورد تعاریف مشخص تر و دقیق تری نیز مطرح شده است. مثلاً در دایره المعارف

1- Barry Buzan. People states and fear: the National security problem in international relation : Karverter wheatsheat 1985, pp.20-30.

۲- ماندل رابرت پیشین، ص ۲۹

علوم اجتماعی این واژه چنین تعریف شده (توان یک ملت در حفظ ارزش های داخلی از تهدیدات خارجی).^۱

سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان (مفاهیم امنیت) آن را چنین تعریف می کند. (این که کشورها هیچگونه احساس خطر "حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند).^۲ در فرهنگ علوم سیاسی عنوان شده:

امنیت ملی عبارتست از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی اساسی و حیاتی است.^۳ در فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل این مفهوم بدین صورت مطرح شده است. (حالتی که ملتی خارج از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر می برد)^۴ والتر لیپمن محقق و نویسنده امریکایی اولین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرده است: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش های اساسی خود را حفظ کند و در صورت

۱- مفهوم امنیت ملی روزنامه همشهری ۱۳۷۲/۲/۹

۲- قاسمی، ح برداشت های متفاوت از امنیت ملی فصلنامه سیاست دفاعی، سال اول شماره دوم بهار ۱۳۷۲ ص.ص ۵۴-۵۵

۳- آقابخش علی (فرهنگ علوم سیاسی) نشر تقریر تهران ۱۳۶۳ ص ۱۷۳

5- plano Jack (ed) the international Relation dictionary California Longman 1988 p-40

اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد.^۱ رابرت مک نامارا نیز می گوید: "اگر امنیت دال بر وضعیتی باشد آن وضع حداقل از نظم و ثبات است." و ریچارد کوپر می گوید "توان جامعه در حفظ و بهره گیری از فرهنگ و ارزشهایش امنیت است.^۲ برژینسکی سیاستمدار امریکایی در اوج جنگ سرد چنین گفت: نقطه شروع کنکاش در باب امنیت باید با شناسایی صحیح ماهیت تغییرات عصر ما قرین باشد. به اعتقاد من چهار انقلاب مرتبط با هم دنیای معاصر را دستخوش تحول کرده است. انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی، انقلاب اقتصادی و انقلاب نظامی تاثیر این ۴ انقلاب به طور هماهنگ روی نظام بین الملل، رقابت دو ابر قدرت، ثبات و موازنه نظامی آنها آشکار است و در آینده ابعاد گسترده تری پیدا خواهد کرد.^۳

رابرت ماندل نیز می گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسوولیت حکومت های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.^۴

اگر در تعاریف دقت شود، می توان چنین برداشت کرد که نقطه مشترک قابل قبول تمام صاحب نظران روی ضرورت (حفظ وجود

۱- روشندل جلیل (امنیت ملی و نظام بین الملل) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه های تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۱

۲- بهزادی حمید، اصول و روابط بین الملل و سیاست خارجی، دهخدا، تهران، زمستان ۱۳۶۸ ص.ص ۱۰۴-۱۰۳

۳- برژینسکی، زیگینو، در جستجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی سفیر، تهران، ۱۳۶۸ ص ۳-۴

۴- ماندل رابرت پیشین ص ۵۲-۵۱

خود) متمرکز است. یا به عبارت دیگر می توان آنرا (حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی ترین خطرات) تعبیر کرد. برخی از صاحب نظران حفظ خود و یا (صیانت ذات و نفس) را در چهار پدیده با ارزش خلاصه می کنند.

۱- حفظ جان مردم
۲- حفظ تمامیت ارضی
۳- حفظ نظام اقتصادی و سیاسی ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور

این ۴ مقوله به عنوان جوهره (امنیت ملی) این خصوصیت را دارد که تمام کشورها در سیاست داخلی و خارجی، افراد، گروه ها و احزاب موجود در آنها بدون توجه به گرایش ها، سلیقه ها و اختلافات فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی در مورد اهمیت، حفظ و تلاش جهت رفع تهدیدات علیه آنها در حد توان و امکان اتفاق نظر کامل دارند. اهمیت امنیت ملی به حدی است که اکثر علمای علم سیاست و روابط بین الملل بر این نظر اتفاق دارند که برای تحقق این منظور (فلسفه وجودی دولت) یا (فلسفه تشکیل دولت) مورد توجه قرار گرفته و علی رغم تمامی قیودی که بر پای آزادی های بی حد و حصر فردی ایجاد کرده، تاسیس دولت را برای پاسداری از حریم امنیت لازم داشته و ضرورت تاسیس آن را قبول کرده اند.

ابعاد ویژگی های امنیت ملی

امنیت ملی دارای ۲ بعد داخلی و خارجی است که به یکدیگر متصل و مرتبط هستند. در بعد داخلی مسائلی از قبیل تهدیدهای آشکار و پنهان که در درون مرز ناامنی به بار می آورد، مانند تهدیدهای سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب و ...)، اقتصادی (نابسامانی و بحران های اقتصادی، شغلی، فنی حرفه ای)

نظامی (کودتا، جنگ داخلی ..) اجتماعی (آشوب های اجتماعی، بحران قیومیت ها) را که هر کدام از این موارد می تواند مردم را تحت فشار قرار دهد در بر می گیرد. در بعد خارجی نیز امنیت می تواند مواردی مثل مسایل سیاسی (انزوا، اعمال فشارهای سیاسی) نظامی (حمله و تقویت نظامی دشمن) اقتصادی (مثل تحریم های اقتصادی، لیست سیاه) و ... مورد تهدید قرار دهد. امروزه این امر پذیرفته شده است که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیک ملل به یکدیگر، امنیت ملی در بعد خارج و داخل کاملاً به یکدیگر متصل بوده و از یکدیگر تاثیر و تاثر می گیرد.

ادامه مقاله در شماره بعدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی